

تبیین جایگاه جرم قتل عمدی در حقوق و فقه

بررسی فقهی قتل عمدی :

قتل از نظر لغوی به معنای سلب حیات است اعم از اینکه سلب حیات از انسان باشد یا حیوان . احترام به جان و بدن انسان اقتضاء می کند که وجود انسان از هر گونه خطر محافظت شود و ضمن توجه به سلامت تن خود نسبت به تن دیگری نیز این حق را رعایت کرده و ستم نکند . دین مقدس اسلام نیز جان و عرض مسلمان را محترم دانسته و تعرض به جان را از گناهان کبیره شمرده است .

قتل در آیات و روایات و احادیث :

۱- در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که دلالت بر حرمت قتل نفس دارد :

الف = ((و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا یسرف فی القتل انه کان منصورا)) آیه ۳۳ از سوره مبارکه بنی اسرائیل .

نفسی را که خداوند محترم ساخته است به نا حق مکشید ، کسی که به ستم کشته شود برای ولی او سلطه ای خاص قرار داده ایم ، پس اسراف در قتل نخواهد کرد . زیرا او (ولی دم) از جانب شریعت الهی یاری شده است .

ب = ومن قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعا

"هرکس بکشدتني نه برابرتني باتبکاري درزمين مانند آنست که بکشد مردم راهمگي

".

ج - من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی

الارض فکانما قتل الناس جميعا و من احيها الناس جميعا (آیه ۳۲ از سوره مبارکه

مائده)

"از جهت قتلی که واقع شد ما بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هرکس نفس

محترمی را به ناحق و بی آنکه مرتکب فساد در روی زمین شده باشد بکشد چنان است

که همه راکشته باشد و هر که نفسی را حیات بخشد مثل آنست که تمام مردم را حیات

بخشیده است."

۲- احادیث بسیاری از رسول خدا (ص) نقل شده که دلالت بر حرمت قتل نفس

دارد از جمله :

الف - " لا تقتل نفس ظلما الاکان علی ابن آدم الاول کفل من دمها لانه اول من سن

القتل . "

" هرکس به ستم کشته شود بهره ای از خون او بر عهده فرزندان نیست آدم است که

اونخستین کسی است ، که قتل را بنیاد گذاشت . "

ب- اول ما یقضى بين الناس يوم القيامة الدماء . "

" نخستین چیزی که از مردم در قیامت مورد رسیدگی و داوری قرار می گیرد، خون

است . "

" لايحل دم امراسلم شهيدان لاله الاالله . وانی رسول الله . الاباحدى ثلاث : النفس

بالنفس والتيب الزانى : والمارق من الدين التارك الجماعه . "

" خون هیچ مرد مسلمانى حلال نیست مگر به سه چیز: قتل نفس، زناى محصنه،

خروج از دين (ارتداد) و ترك جماعت . "

د- لن يزال المؤمن فى فسحة من دينه . مالم يصب دما حراما . "

" همواره مومن از دين خود درگشايش است ، تا وقتى كه خونى رانريخته باشد . "

ه - " لاترجعوا بعدى كفارا يصر ب بعضكم رقاب بعض . "

" شما پس از من ، به كفر برنگريد ، و بعضى از شما گردن بعضى ديگر را نزنند ،

و- الزوال الدنيا هون على الله من قتل مومن بغير حق . "

" نابود شدن دنيا براى من آسانتر و بى اهميت تر است از اينكه مومنى به ناحق كشته

شود . "

از تمام آیاتی که در این خصوص نازل شده و احادیث بسیاری که از رسول خدا روایت شده می توان نتیجه گرفت که احترام به جان و مال انسان همواره مورد توجه اسلام بوده و قوانین اسلام برای حفظ حیات انسان وضع شده است .

تعریف قتل عمدی

اکثر فقهاء من جمله مرحوم محقق حلی در مورد قتل موجب قصاص چنین گفته اند:

" وهوازهاق النفس المعصومه المكافئه عمدأ وعدواناً . "

" خارج کردن جان محترم و برابر، از تن ، عمدأ و به ناحق . "

ازهاق نفس یعنی خارج کردن نفس ، منظور از معصومه این است که تلف کردن آن جایز نباشد. این کلمه از " عصم " به معنای منع و جلوگیری است .

مکافئه یعنی مساوی بودن مقتول و قاتل ، در اسلام ف آزادی و غیره . عدوان به معنی حرام و نارواست . شرط دیگری که در برخی از تعریف هادیده میشود آن است

که قاتل بدون اجازه قانونی مبادرت به قتل کند.

شهید ثانی می فرماید: عمد محقق میشود با قصد قتل از سوی شخص بالغ و عاقل با وسیله ای که غالباً کشنده باشد. اگر قصد کند با وسیله ای که بندرت کشنده باشد و قتل هم روی دهد. اشبه قصاص است. یعنی قتل عمد است .

امام خمینی (ره) نیز قتل عمد را چنین تعریف کرده است :

" و هو اذهاق النفس المعصومه عمدا مع الشرائط الاتیه "

" و آن بیرون کردن روح معصوم (محترم و محفوظ) از بدن انسان است

عمداً با شرایطی که می آید "

عمد محض به قصد کشتن با آنچه که می کشد، ولو به ندرت و به قصد فعلی که غالباً

به آن کشته میشود. اگرچه قصد قتل را به آن ننماید تحقق پیدا میکند. عمد گاهی به

مباشرت است و گاهی به تسبیب. صاحب جواهر بعد از بیان شرایط قتل مستوجب

قصاص می فرماید:

يتحقق العمد بقصد البالغ العاقل الى القتل ، ظمما بما تقتل غالباً بل وبقصد الضرب

بما يقتل غالباً عالمابه وان لم يقصد القتل لان القصد الى الفعل المزبور كالقصد الى الفعل

"

" عمد تحقق پیدا میکند با قصد انسان بالغ عاقل به کشتن شخص ، از روی ظلم و ستم)

بناحق) به وسیله ای که غالباً کشنده است . و تحقق پیدا میکند بقصد زدن با آنچه که

غالباً کشنده است (بدون قصد قتل) از روی آگاهی . اگرچه قصد قتل نداشته باشد،

زیرا قصد فعل (با وسیله ای که غالباً کشنده است) مانند قصد قتل _____

(قصد کشتن) است . "

واضافه می نماید:

" بل یکی قصدماهوسببیه معلومه عاده وان ادعی الفاعل الجهل به ، انلوسمعت

دعواه بطلت اکثرادماء "

" درتحقق عمدهمین اندازه کفایت میکندکه سببیت فعل برای قتل نوعاً معلوم باشد.

هرچندفاعل ادعای جهل به آن راداشته باشد. زیراالگرا دعای وی پذیرفته شود،

بیشترخونها هدرمیشوند."

ازدیدگاه سیدمحمدحسن مرعشی شوشتری قتل عمد عبارت است از:

قتل العمدهوان یقصدالفاعل القتل وایتاعه علی الوجه المقصود، سواء کان ذلک

القصداصالیا اوتبعیاً متعلق بالکلی اوجزئی ، بالمباشره اوبالتسبیب اوبها. "

" قتل عمد آن است که فاعل قصدقتل داشته باشدوقتل رابه همان نحوی که

قصدکرده است واقع سازد، خواه آن قصداصلی باشدویاتبعی وبه شیء کلی (

غیرمعین) ویابه جزئی (شخص معین) تعلق گرفته باشدویامباشرت باشد. یابه

تسبیب ویاوردو. "

بنابراین تعریف قتل درمواردزیرعمداست :

۱- هنگامی که مرتکب قصدکنندشخصی را بکشندوهمان شخص کشته شود.

۲- وقتی فاعل قصدکنندشخص را بکشد، به خیال آنکه این شخص الف است اما پس

از قتل معلوم گردد که آن شخص ب بوده است، (اشتباه در شخصیت)

۳- وقتی مرتکب قصدکنند انسانی را بکشد، بدون آنکه غرضش به شخص معینی

تعلق گرفته باشد و با عمل وی یک انسان کشته شود.

۴- هنگامی که فاعل قصدکنند جنایتی را مرتکب شود، هر چند آن جنایت قتل

انسان باشد.

۵- هنگامی که فاعل قصدکشتن کسی را ندارد، اما عملی انجام می دهد که عادتاً

با قتل ملازمه دارد و این عمل نسبت به مقتول ممکن است بصورت فعل باشد یا ترک

فعل. (قصدتبعی)

بنابراین در قتل عمد قصد قتل معتبر است، خواه قصده به شخص معین باشد و یا به

کشتن انسانی بطور کلی و یا به قصد جنایتی. در قصد کلی قصد افراد قهراً

وجود دارد و بنا بر نیاز، اگر کسی بخواهد انسانی را بکشد، در صورت تحقق قتل، قتل

عمدی خواهد بود. زیرا به قصد قتل انسان منک از قصد قتل افراد آن نیست. هرگاه

کسی قصد جنایتی بر کسی داشته باشد و بقصد وقوع جنایت تیراندازی کند و برای وی

فرقی نداشته باشد که زید کشته شود یا عمرو یا انسان دیگری و یا حتی حیوانی کشته

شود، همه فقها متفق القولند که در صورت ارتکاب قتل، آن قتل عمدی است.

شیخ طوسی می فرماید:

" عمدحض آن است که کسی دیگری را به وسیله هر چیزی که باشد بکشد،

در صورتی که قصد قتل بدان نموده باشد و یا فعل وی چنان باشد که نسبت به مقتول

عادتاً منجر به مرگ گردد. "

محقق نیز می فرماید:

" ضابط العمدان یكون عامداً فی فعله وقصده "

" معیار در قتل عمد آن است که فاعل ، عمد در فعل و عمد در قصد شخص معین به قتل

داشته باشد. "

مقصود از عمد در فعل این است که فعل انجام یافته با آگاهی و از روی اراده و اختیار به

انجام رسیده باشد و مقصود از عمد در قصد این است که باید مقصود قاتل از عملی که

انجام میدهد کشتن طرف باشد.

شهید ثانی نیز ملاک عمد را قصد فعل و قصد نتیجه علیه شخص معین دانسته است .

شهید ثانی می فرماید: قتل در صورتی عمدی خواهد بود که شخص بالغ قصد کند که

به وسیله ای که غالباً کشنده است کسی را بکشد. در صورتی که با وسیله ای که

بطور نادر کشنده است ، قصد قتل نداشته باشد، قصاص نخواهد بود، اگر چه اتفاقاً

موجب مرگ شود، مانند آنکه با چوب نازک با عصای نازک ضربه ای بزند. اما اگر ضربات را بطور مکرر بر کسی وارد کند که بدن او بخاطر کمی سن و سال و یا بیماری یا زمان او تحمل آن را ندارد و منجر به مرگ او شود قتل او قتل عمد بشمار میرود. همچنین قتل او عمدی محسوب میشود و اگر او را کمتر از مقداری که تحمل آن را ندارد بزند و به دنبال آن ضربات، مضر و بیمار شود و بمیرد.

بند- ۱ مفهوم عمد و قصد در شرع مقدس اسلام

در قرآن مجید در سه آیه شریفه از سه سوره مبارکه کلمه تعمد بکار رفته که ثلاثی مزید از باب تفاعل است.

الف- " لیس علیکم جناح فیما اخطاتم به ولکن ماتعمدت قلوبکم ". (آیه ۵ از سوره مبارکه احزاب)

" نیست بر شما گناهی در آنچه خطا کردید و در آن ولیکن آنچه تعمد کند دلها تان ."

ب- " ومن یقتل مؤمناً متعمداً فجزائه جهنم خالداً فیها، ولعنه، واعدله عذاباً عظیماً ". (آیه ۹۵ از سوره مبارکه نساء)

" هر کس از عمد مؤمنی را بکشد، کیفر او دوزخ است همیشگی، و خدا او را لعنت کرده برای او کیفری بزرگ آماده کرده است ."

ج- ومن قتله ، متعمداً."

"وهرکس کشته است اورا از روی عمد."

درهرسه آیه شریفه کلمه تعمدبکاررفته است . تعمدکه ثلاثی مزیدازباب تفاعل است ، متضمن عمدواقصداست .

بنابراین مقصودازعمددرفقه اسلامی ، عمددر فعل و عمددر قصداست . عمددارای دو جزء روانی است یکی قصدانجام فعل و دیگری قصدنیت . "وضابط العمدان یکون عامدافی فعله وقصده ."

مقصودازعمددر فعل این است که فعل انجام یافته باآگاهی وازروی اراده واختیاربه انجام رسیده باشد.

ومقصودازعمددر قصداین است که بایدمقصودقاتل ازعملی که انجام می دهد، کشتن طرف باشد.

مفهوم قصدنیزاین است که انسان برای انجام هرفعلی درذهن خودبه تجزیه وتحلیل آن فعل می پردازدوبعضی خوب وبدوضروروزیان ناشی ازانجام فعل یاترک آن رامی سنجدوپس ازآن نتیجه گیری میکندومیل به انجام فعل یاترک آن حاصل میشود. پس ازآن تصمیم به ارتکاب فعل یاترک آن می گیرد. پس ازتصمیم . مرحله دیگری آغازمیشود، وآن قصدارتکاب است .

انگیزه که علت روانی فعل عمدی است ناشی از فعل و انفعالات روانی شخص است و مرحله قبل از تصمیم است یعنی شخص ابتدایه تجزیه و تحلیل امور می پردازد و سپس دست به انتخاب میزند و میل به انجام فعل یا ترک فعل پیدامیکند. پس از میل، تصمیم می گیرد و مصمم و آماده می شود برای اینکه فعل را انجام بدهد یا ترک نماید. پس از تصمیم گیری قصد میکند که این قصد بصورت حرکات و افعال و اعمال مادی در خارج تحقق می یابد.

قصد در حقیقت اوصاف افعال و اعمال خارجی است که بطور مجاز به امیال و خواست های باطنی شخص نسبت داده میشود.

قتل از جرائم حق الناس است

جرم قتل عمدی از جرائم حق الناس است زیرا از نظر اسلام بر اثر قتل عمدی، حق قصاص برای اولیاء دم مقتول بوجود می آید. که اختصاص به آنها دارد و می توانند از حاکم شرع بخواهند که قاتل مورث آنها قصاص شود. همچنین این اختیار دارند که قاتل را عفو یا قصاص را تبدیل به دیه کنند. گفته شده است که در حق قصاص، حقی نیز برای خداوند وجود دارد که در آن پاک نمودن جامعه از جرم قتل است. لذا قصاص حق الناس غالب است چون متضمن دوحق است. هم در آن حق

الله است وهم حق الناس وليكن حق الناس برديگري غلبه دارد. زیرا قصاص بر ممانثت
بناشده است .

" وكتبتنا عليهم فيهان النفس بالنفس "

بدین ترتیب که دست راست جانی در مقابل دست راست مجنی علیه قطع میشود.
و اگر جانی دست راست نداشته باشد دست چپ او قطع میشود و اگر دست چپ نداشته
باشد، پایش قطع میشود و اگر پانداشته باشد باید دیه بدهد.